

نشانه‌شناسی مطایبه

نوشته احمد اخوت

چاپ اول ۱۳۷۱

۲۵۴ صفحه - قیمت ؟

نشر فردا - اصفهان

می‌گویند لئوناردو داوینچی، روزی کشف کرد که چشم انسان مانند اتاق تاریک عمل می‌کند. یعنی تصویری که از شیء بر شبکیه می‌افتد، مانند تصویری که در اتاق تاریک به وجود می‌آید نسبت به شیء معکوس است، ولی تصویر ذهنی، برخلاف تصویری که بر شبکیه می‌افتد مستقیم است. وی بلافاصله با وحشتی طنزآمیز نوشت: «حقیقت این است که انسان با سر راه می‌رود، نه با پا».

این، فقط لئوناردو نیست که در این کلام، با معکوس کردن واقعیت، می‌خواهد نگاه و شناخت خود را از جهان بیان کند. بلکه مطایبه، همواره یکی از شیوه‌های برخورد انسان با جهان بوده است، که علیرغم گستردگی کاربردش در حیطه روابط فردی و اجتماعی و نیز آثار ادبی، کمتر مورد بررسی مدون - حداقل در ادبیات کشورمان - قرار گرفته است، تا آنجا که حتی در تعاریف ابتدایی نیز در مقایسه با دیگر شاخه‌های آثار ادبی، مواجه با کاستی و افتراق نظریم.

کتاب «نشانه‌شناسی مطایبه» نوشته احمد اخوت که به همت «نشر فردا» به چاپ رسیده است، تلاشی برای شناخت ویژگیهای ساختاری مطایبه است. اگرچه مطایبه می‌تواند به شکل طنز، هزل، هجو و یا لطیفه ظاهر شود، ولی این کتاب را با اشکال و نوع‌بندی آن کاری نیست؛ بلکه نویسنده، در تلاش است تا نشانه‌های متنی - ساختاری مطایبه را وقتی در قالب زبان و ادبیات متبلور می‌شود مشخص سازد، که با توجه به مقدمات فوق، خود تلاشی درخور ارج نهادن است.

نشانه‌شناسی مطایبه

نوشته

احمد اخوت



نشر واد

اولین مقاله کتاب، به بررسی لطیفه‌های فارسی از دیدگاه نشانه‌شناسی و زبان فارسی اختصاص دارد. برای این منظور، نویسنده ابتدا نگاهی به ساختار لطیفه‌ها انداخته و سپس مطالبی درباره شباهت میان چیستان و لطیفه مطرح کرده و پس از گذری بر نظریه‌های مربوط به مطایبه، لطیفه‌های فارسی را به‌اجمال از دیدگاه زبان‌شناسی بررسی کرده است.

بخش دوم، تحت عنوان «در ستایش حماقت»، به حماقت، آن‌گونه که در قصه‌های احمقان تبلور یافته، پرداخته و ویژگی‌های متنی-ساختاری آن را بررسی کرده است. نویسنده در بیان هدف از طرح این بحث از «اراسموس روتردامی» نویسنده عصر روشنگری شاهد آورده است که: «برای هجو زمانه احمق خویش، عصری که از ویژگی‌هایش سانسور و باورپرستی است، برای بیان حقیقت، باید به‌ضد حقیقت چنگ آویخت. چرا که هر گونه اصل زندگی، برای آنکه رنگ‌وبویی یابد، به‌مقداری حماقت نیازمند است.» مطایبات «ملانصرالدین»، نمونه روشنی از این سبک کار است. سومین بخش کتاب، تحت عنوان «ساحت‌های بی‌معنایی»، به بحث درباره متون بی‌معنا و بررسی جنبه‌های مختلف آن و ساختارهای اختصاص دارد. نویسنده، در این بخش انواع این نوع متن را برشمرده و نظری به‌پیشینه آن انداخته و بالاخره بحث را با تأثیرات روانی متون بی‌معنی به‌پایان برده است. در تعریف بی‌معنی‌نویسی، باید گفت این نوع نگارش، یکی از انواع متون مطایبه‌آمیز است که اگرچه در آن، تک‌تک واژه‌ها از لحاظ دستوری صحیح‌اند، ولی مجموعه آنها فاقد معناست یا شاید بهتر بگوییم دارای معنای دیگری است که در آن حذف

معنا عمداً به علل مختلف (مانند مطایبه، بازی‌های کلامی، هجو و...) انجام می‌شود. مثل این شعر میرزا اشرف کاشانی: «دندان چپ در یچه کور است / آدینه کهنه بی حضور است.» نویسنده در آخرین بخش که عنوان «مرد و پروانه» را بر آن نهاده، به جناس در مطایبه می‌پردازد. وی پس از بحث مقدماتی در مورد تعریف و ریشه‌شناسی جناس، به دیدگاه‌های مختلفی اشاره کرده است که از دوران باستان تا امروز در این باب وجود دارد. آن‌گاه درباره سازوکار جناس به تفصیل سخن گفته، سپس به ساختار آن نظری افکنده و بالاخره با شکل‌شناسی تفصیلی جناس، کار را به پایان برده است.

کتاب با پیوست‌هایی شامل «شعر بی‌معنا» نوشته جرج اورول، «دفاع از بی‌معنایی» نوشته گیلبرت کیت چسترتون و «حجمی در ادبیات فارسی» نوشته ارتور کریستن سن و «قصه‌های آدم احمر» نوشته و جمع‌آوری آنتی آرنز کامل شده است که در جهت شناخت بیشتر مباحث مطرحه در کتاب، خواننده را یاری می‌دهد.

نویسنده، در مقدمه، آورده است: «ما، وقتی می‌خواهیم از چیزی عکس بگیریم، زاویه‌ای را انتخاب می‌کنیم و با عقب رفتن و جلو آوردن می‌کوشیم برای بهتر دیدن سوژه خود جایگاه بهتری انتخاب کنیم. آنچه می‌خوانید، عکس‌های انتخابی من از دنیای مطایبه است. بداهت نیست اگر فکر کنیم که این انتخاب بهترین است؟»

نگارنده معتقد است اگرچه انتخاب احمد اخوت ممکن است «بهترین» به‌معنای مطلق نباشد، ولی در این زمانه که جای خالی کارهای جدی و تحقیقی در زمینه طنز حس می‌شود، فی‌نفسه گامی مثبت است، تا نظر خواننده چه باشد.